

انحرافات اجتماعی بانوان و دلایل گسترش آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۱۲)

عاطفه تخله^۱

کارشناس ارشد حقوق خصوصی و دانشجوی دکتری

معصومه صادق تبریزی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

یکی از معضلات اجتماعی جوامع پدیده‌ی انحرافات اجتماعی زنان است که در اثر مسائل و مشکلاتی نظیر فقر، بیکاری، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی، تضعیف اعتقادات مذهبی و در کل برهم خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می‌آید. انحرافات منحصر به مردان نیست زنان هم از مشکلات اجتماعی در امان نیستند و زندگی آنها دستخوش بحران و نابسامانی می‌گردد و گاهی مرتکب جرم می‌شوند. اگرچه ممکن است تعداد زنان مجرم کمتر از مردان باشد لیکن تأثیر اجتماعی و فرهنگی بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است. زنان به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی و پایه و ستون خانه بودن در صورتی که مرتکب جرم شوند اثرات منفی بسیار زیادی در خانواده دارند. زمانی که زن به هر دلیلی اعم از فرار، طلاق، بزهکاری و ... در خانه حضور نداشته باشد خانواده و جامعه دچار اشکال می‌شود. با انحرافات زنان نه تنها یک زن بلکه ممکن است نسل یک خانواده به بزهکاری و تباهی کشیده شود. همچنین زنان بزهکار با ارتکاب جرایمی چون

روسپیگری و تن فروشی، قوادی و...، زمینه ی بی قید و بند بودن روابط بین زنان و مردان را فراهم می آورند و این امر علاوه بر کاهش میل به ازدواج و مسئولیت پذیری در جوانان موجب سست شدن بنیان خانواده، پایین آمدن سطح اخلاقی جامعه، ضعف ایمان و تقوا، گشوده شدن راه فحشا و فساد در جامعه و بسیاری آسیب های دیگر می شود؛ لذا شناخت تبعات حقوقی انحرافات زنان به سالم سازی جامعه و استحکام خانواده ها کمک می کند. در جامعه ی امروز ما بیشترین انحرافات اجتماعی شامل فرار از منزل، فحشا و روابط نامشروع، طلاق، اعتیاد، خودکشی، و... می باشد که هر یک از این انحرافات ممکن است زمینه ساز انحراف دیگر باشد.

واژگان کلیدی: انحرافات اجتماعی، زنان، روسپی گری، طلاق، اعتیاد، خودکشی.

مقدمه

گسترش انحرافات اجتماعی از جمله مشکلات عمده ای است که امروزه گریبانگیر بسیاری از جوامع کنونی است. در جامعه ما نیز با توجه به ارزشهای دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و ساختار جمعیتی بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات به عنوان یکی از بغرنج ترین و پیچیده ترین مسائل اجتماعی می باشد که موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و چالش امنیت اخلاقی و اجتماعی گردیده است.

بخش اول: فرار از منزل

فرار از خانه و اقدام به دوری و عدم بازگشت به منزل و ترک اعضای خانواده، بدون اجازه از والدین یا وصی قانونی خود، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد، غیر قابل تحمل و بعضاً تغییر ناپذیر است این عمل معمولاً به عنوان مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرکهای آزار دهنده و مضر و دستیابی به خواسته های رد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می شود امروزه در اکثر کشورهای جهان فرار از خانه به یک معضل جدی اجتماعی تبدیل شده است جامعه ما نیز مسئله فرار دختران به عنوان یک معضل مطرح می باشد اما در مورد مسئله فرار از خانه، می توان اینگونه بیان کرد که اقدام به فرار هم از سوی پسران مردان متاهل و هم از سوی دختران و زنان متاهل انجام می شود. البته دلایل چنین اقدامی توسط مردان متاهل و پسران با یکدیگر متفاوت است. زنان متاهل نیز اغلب به خشونت و مفاسد اخلاقی همسر یا اغفال و مفاسد اخلاقی خود از خانه متواری می شوند. در شرایطی ممکن است که اقدام به فرار به همراه فردی از جنس مخالف با زمینه دوستی و ملاقات انجام شود. اخیراً نیز مواردی از فرارهای گروهی در بین دختران مشاهده شده است.

بخش دوم: فحشا و روابط نامشروع

یکی از پدیده‌های اجتماعی که سلامت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند پدیده روسپیگری است که متأسفانه در تمام جوامع با شدت و ضعف وجود دارد و چونان خوره‌ای به جان جوامع بشری و مدنی افتاده است.

روسپی در لغت روسپی در زبان فارسی به معنای زن فاحشه و بدکاره و نابکار استعمال می‌گردد و معرب آن روسپی می‌باشد که در عصر صحابه و تابعین نیز به کار می‌رفته است روسپی در واقع مخفف روسپید است که از باب تسمیة الشيء باسم ضده بر زنان هرزه‌روسیاه به عنوان طعنه و تمسخر اطلاق شده است. دهخدا

روسپی کسی است که به دیگری خدمات جنسی می‌دهد و در ازای آن پول دریافت می‌کند.

بنابراین ارائه خدمات جنسی و دریافت پول دو عنصر مشترک در تعریفهای فوق است. بدین جهت بین زنا و روسپیگری رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار می‌گردد زیرا از یک طرف ممکن است زنا وجود داشته باشد ولی در مقابلش دریافت وجهی مطرح نباشد اعم از زنای توافقی یا تجاوز به عنف و از طرف دیگر ممکن است ارائه خدمات جنسی در مقابل دریافت وجه باشد بدون اینکه مقابرتی صورت گرفته باشد.

نظامهای مختلف قانونگذاری درباره روسپیگری هنجارهای هر جامعه‌ای با توجه به آداب و رسوم، سنت، آیین و عرف حاکم بر همان جامعه تعریف می‌گردد لذا چه بسا یک پدیده اجتماعی در جامعه‌ای هنجار محسوب گردد ولی دقیقاً همان پدیده در جامعه‌ای دیگر ناهنجار تلقی گردد. بنابراین مقایسه این گونه ارزشها در دو جامعه با دو نوع تفکر متفاوت و احیاناً

متضاد ناصواب می باشد یکی از این پدیده ها روسپیگری است که در برخی از جوامع پذیرش عمومی یافته و به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر نهادینه شده است و در برخی دیگر به شدت تقبیح گردیده و با آن مبارزه می شود .

بخش سوم: سقط جنین

سقط جنین عمدی یکی از معضلاتی است که برخی از زنان به دلایل گوناگون از جمله مخفی کردن روابط نامشروع به آن متصل می شوند .

جنین در لغت به معنای هر چیز پوشیده شده است. بچه در شکم مادر را از آن جهت که در رحم مستور است جنین می گویند. دهخدا، ۱۳۴۰

سقط جنین نیز در معنای لغوی به بچه انداختن یا بچه افکندن پیش از «زمان» یا «بچه ناتمام از شکم افتاده» اطلاق می شود بنابراین خروج بچه پیش از زمان مقرر را سقط جنین می گویند. دهخدا، ۱۳۴۰

سقط جنین در اصطلاح حقوقی و در اصطلاح حقوقی سقط جنین عبارتست از: اخراج عمدی قبل از موعد جنین یا حمل به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد و یا منقطع ساختن دوران بارداری . گلدوزیان، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۱

بند اول: انواع سقط جنین و علل آن

الف ؛ سقط خود به خودی عادی یا (مرضی) عبارت است از هنگامی که سقط بدون استفاده از عوامل طبیعی یا مکانیکی بلکه به علل ارثی، مرضی و علل ناشناخته دیگر رخ می دهد این

نوع سقط به رغم میل و خواسته زن و شوهر و یا هر شخص دیگری به علت بیماریهای مربوط به مادر و جنین بدون این که فردی در سقط آن دخالت داشته باشد انجام می شود در این نوع سقط جنین هیچ گونه مسئولیتی متوجه مادر و دیگران نخواهد بود. گودرزی، ۱۳۷۲، ص ۴۹۵.

ب؛ سقط جنین ضربه ای سقطی است که در اثر منازعات یا تصادفات و اتفاقات رخ میدهد و مرتکب قصدی ندارد ولی دیه آن باید توسط مرتکب پرداخت گردد.

پ؛ سقط جنین طبی (درمانی) عبارت است از ختم طبی یا جراحی حاملگی قبل از دمیده شدن روح هنگامی که ادامه حاملگی برای زن خطرناک و جان وی به علت بیماری و ... در خطر باشد. و نیز ممکن است قطع دوران حاملگی برای جلوگیری از عوارض جسمانی یا روانی زن حتی امری ضروری برای نجات مادر باشد. این نوع سقط با هدف درمان زن حامله و توسط پزشک صورت میگیرد. (دنفورت، ۱۳۸۶، ص ۶۷۶؛ گودرزی، ۱۳۷۲).

ت؛ سقط جنین عمدی جنایی؛ عبارت است از بیرون انداختن جنین از رحم با قصد انجام جنایت سقط، خواه وسایلی به کار برده باشد یا نه و جنین سقط عمدی بعد از سقط قادر به زندگی نباشد. (جعفری لنگرودی (۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

در سقط جنین عمدی ممکن است سقط توسط مادر با خوردن دارو یا ضربه به رحم صورت گیرد یا با به کار بردن وسایل مخصوص توسط پزشک یا ماما یا افراد غیر مجاز صورت گیرد.

فقههای امامیه به اتفاق سقط جنین حاصل از زنا را در تمام مراحل از زمان انعقاد نطفه تا زمان وضع حمل حرام می دانند در واقع به دلیل اطلاق ادله ی حرمت سقط جنین فرقی بین جنین

حاصل از راه مشروع و نامشروع نیست و سقط آن در هر دو صورت حرام است. امام (ره) می فرماید: «اگر زنی از زنا آبستن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.

اما با وجود این که به نظر برخی از ایشان در بارداریهای نامشروع حاصل از تجاوز به عنف به دلیل حرج شدیدی که بر این حمل مترتب می شود، سقط جنین پیش از ولوج روح جایز است؛ زیرا کسانی که به این شکل باردار می شوند در وضعیت شدید بحرانی و ناراحتی های اجتماعی قرار می گیرند اما گاهی شدت این بحران به حدی می رسد که شخص دست به خودکشی می زند که در این حالت حتی سقط جنین بعد از ولوج روح نیز جایز است.

بخش چهارم: تولد فرزند نامشروع

هرگاه بین زن و مرد معینی رابطه از دوام برقرار نشده باشد و مقاربت از روی شبهه نباشد طفل حاصل از این رابطه منسوب به آنهاست و دارای نسب نامشروع است، لذا بالارفتن سن دواج و مشکلات عدیده برای تشکیل زندگی خانوادگی بعضاً موجب برقراری ارتباط نامشروع شده و به گسترش تولدهای خارج از ازدواج دامن می زند.

زنا موجب طفل نامشروع و یا طفل طبیعی می شود که به عنوان یک واقعیت در زندگی اجتماعی وجود دارد. حرمت زنا امری واضح در دین اسلام می باشد و عقوبت شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است زیرا روابط آزاد زن و مرد بر خلاف اخلاق و سنن اجتماعی و مذهبی است، این گونه روابط از آن جایی که تضمینی ندارد و بر پایه ی صحیح اجتماعی و اخلاقی استوار نیست نمی تواند جایگزین روابط ناشی از ازدواج شود.

اطفال ناشی از زنا با پدر و مادر خود رابطه ی خونی دارند و شرع مقدس هرگز این رابطه را از دور نمی دارد.

بخش پنجم: طلاق

طلاق یکی از مهمترین مسائل اجتماعی ایران است که گاهی از آن به عنوان یک آسیب اجتماعی نام برده می شود. این پدیده طی سالهای اخیر در ایران رشد قابل ملاحظه ای داشته است. طلاق به عنوان یک انحراف اجتماعی زمینه ساز انحرافات اجتماعی دیگر مانند اعتیاد، فرار از منزل، خودکشی و... می باشد. هر چند که طلاق یک واژه زیبا نیست و شنیدن آن احساس شعف به وجود نمی آورد ولی حلالی است که خداوند متعال و هر صاحب علم آن را نکوهش کرده اند و با اکراه در محدوده آن سخن گفته اند. بحث پیرامون این پدیده تا به آنجا رسیده است که یک بخش از پایه حقوق خانواده قرار گرفته و در قانون اکثر کشورهای جهان جایگاه خاص به خود اختصاص داده است.

شرایط مطلقه؛ چون طلاق از طرف مرد واقع می شود برای صحت آن قصد رضا و اهلیت زن شرط نیست؛ لیکن طلاق در حال پاکی (طهر) زن واقع شود و به علاوه باید از پایان عادت زنانگی تا هنگام طلاق بین زن و شوهر یکی روی نداده باشد.

بخش ششم: خودکشی

خودکشی در لغت به معنای خود را کشتن و انتحار کردن دهخدا (۱۳۴۰، ج ۲۱، ص ۸۴) و یا خود را به وسیله ای کشتن است. و در اصطلاح مرگی است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم

بر اثر اقدامی که خود فرد می کند و در عین حال به نتیجه ی رفتارش آگاهی دارد روی می دهد.

مرگی که ناشی از خودکشی و عمدی توسط خود شخص رخ می دهد اقدامی آگاهانه در جهت نابودسازی خود می باشد. روشن ترین دلیل آن مشکلات پیچیده ی انسان نیازمندی است که برای رهایی از مشکلات خود، خودکشی را به عنوان بهترین راه حل انتخاب می کنند. خودکشی عملی اتفاقی و بی معنی نیست بلکه راهی برای رهاشدن از یک مشکل یا بحران است که شخص را به طور شدید رنج می دهد. خودکشی با نیازهای بر آورده نشده ، احساس یأس و درماندگی ، تعارضهای دوگانه در زندگی و فشار غیر قابل تحمل رابطه ی مستقیم دارد.

به نظر می رسد خودکشی ، یک اقدام فردی است که امکان دارد از جانب شخص سر بزند و در بروز آن عوامل اجتماعی نیز نقش اساسی دارند .

بخش هفتم: اعتیاد

تصور اکثر افراد جامعه در مورد اعتیاد این است که مواد مخدر و سوء مصرف مواد پدیده ای مردانه است و زنان کمتر از مردها به اعتیاد روی می آورند به خصوص در کشور ما حتی سیگار کشیدن زنان و دختران تعجب اطرافیان را بر می انگیزد شاید به دلیل اینکه اعتیاد با نقش آشنای همسر و مادری مهربان و دلسوز در جامعه ایرانی همخوانی ندارد اما واقعیت این است که امروز اعتیاد در میان برخی زنان جامعه هر چند تعدادی وجود دارد و برخی خانواده ها با

این معضل دست و پنجه نرم می کنند؛ از آنجا که عوارض ناشی از اعتیاد زنان برای جامعه بیشتر از عوارض اعتیاد مردان است ضرورت دارد این موضوع در کانون توجه قرار گیرد .

کانون خانواده قربانی اعتیاد زنان است چرا که خانواده در جامعه ایرانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و هرگونه خلل و مشکل در خانواده به بروز مشکل در کلیت جامعه منجر می شود. در خانواده نقش زن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و زنان نقش ویژه ای در استواری و پیشرفت کانون خانواده دارند و در هیچ جای دنیا کسی منکر این مسئله نیست اما ضعف در بنیانهای خانوادگی باعث بروز مشکلات بسیاری در زمینه های فرهنگی و اجتماعی می شود .

ضعف و امکان وابستگی زنان به هر عامل غیر مفید باعث میشود پایه های خانوادگی سست شود و خانواده دچار مشکلات اساسی، شود به نحوی که بیشتر زنان معتاد دارای خانواده های از هم پاشیده یا ناموفق هستند . وقتی زن در یک خانواده دچار اعتیاد میشود ارکان خانواده خیلی مستعد برای از هم پاشی میشود و فرزندان نیز به خصوص دختران خانواده در نتیجه همانند سازی با مادر و مشکلات عاطفی ناشی از مصرف ، مواد توسط مهربان ترین عضو خانواده دچار انحراف و پیامدهای جبران ناپذیری می شوند .

بخش هشتم: انحراف

واژه Deviance در لغت به معنای عملی که به دور از هنجارها می باشد است. (همیر، ۱۳۸۴) منحرف "کسی" است که رفتاری مغایر با هنجارها و معیارهای پذیرفته شده و مطلوب گروه یا جامعه ای خاص داشته باشد از این، رو او در آن جامعه یا گروه بعنوان فردی منحرف تلقی خواهد شد. تذکر دو نکته در زمینه تعریف منحرف ضروری است .

الف: اگر فردی هنجارهای جامعه را قبول نداشته باشد ولی در عمل از هنجارها تبعیت کند منحرف محسوب نخواهد شد. انحراف نسبی و تابعی از فرهنگ است از این رو در تعریف کلمه «خاص» به عنوان صفت برای گروه و جامعه ذکر گردیده است لذا ممکن است فردی در بین مسلمانان منحرف محسوب شود ولی در جامعه غرب فردی خوب و غیر منحرف تلقی گردد. مجرم دورکیم با اینکه جرم را امری عادی می داند مجرم را فردی نابهنجار تلقی می کند. او در تعریف جرم می گوید: برای یکبار قوانین دبیرستان را زیر پا بگذارد و بدون اینکه تکالیف خود را انجام دهد سر کلاس حاضر شود. اما انحراف ثانویه در مواردی تحقق می یابد که فرد عنوان منحرف کجرو و یا مجرم را پذیرفته و یک تلقی جدید از خود ارائه دهد. در این حالت فرد به طور مشخص رفتار انحرافی از خود نشان می دهد؛ مثلاً یک قاچاقچی با اینکه ممکن است چند بار به زندان رفته باشد ولی باز از کار خود دست برنمی دارد در این حالت جامعه با او به عنوان قاچاقچی برخورد می کند و او از آنجا که خود را به عنوان فردی منحرف و قاچاقچی می شناسد رفتاری هماهنگ و متناسب با این گروه منحرف از خود نشان می دهد. (پاک نژاد، ۱۳۷۶)

ب - انحراف آگاهانه و ناآگاهانه انحراف آگاهانه در مواردی رخ میدهد که فرد با آگاهی از ارزشها و هنجارهای موجود به اعمالی دست می زند که با ارزشها و هنجارهای جامعه منافات دارد اما انحراف ناآگاهانه مربوط به مواردی می شود که فرد از روی ناآگاهی نسبت به ارزش و هنجارهای جامعه دست به اعمالی نابهنجار و انحرافی بزند؛ مثلاً افرادی که از جامعه ای به جامعه دیگر که هیچ آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم آن ندارند می روند معمولاً در روزهای اول اعمال و رفتارشان با اعمال و رفتار افراد آن جامعه مغایر و ناهماهنگ است. از

آنجا که این گونه اعمال به دلیل عدم آگاهی از هنجارها و آداب و رسوم جامعه جدید صورت پذیرفته است، عنوان انحراف غیر آگاهانه بر آن اطلاق می شود. (پاک نژاد، همان).

ج) انحراف مثبت و منفی انحراف مثبت زمانی رخ می دهد که فرد با آگاهی نسبت به ارزش ها و هنجارهای جامعه خویش از آنها تخطی می کند و ارزشها و هنجارهای جدیدی که برتر از ارزشها و هنجارهای قبلی است مطرح می کند اما انحراف منفی در مواردی است که فرد با سرپیچی از ارزش ها و هنجارهای موجود جامعه خویش هنجارها و ارزشهای پست تری مطرح می سازد رهبران مصلح را می توان از جمله افرادی ذکر کرد که دست به انحرافهای مثبت می زنند. آنان برای اصلاح جامعه، برخی از هنجارها و آداب و رسوم جاری آن را زیر سؤال می برند و الگوها و هنجارهای جدیدی که بدتر از "جرم" عبارت از فعلی است که احساسات جمع معینی را که دارای نیرو و صراحت مخصوص، است جریحه دار می سازد.

۳-۲ تفاوت بین مجرم و منحرف: ریشه جامعه شناس فرانسوی معتقد است بین این دو اصطلاح تفاوت وجود دارد او با بیان اینکه هرگاه نمونه هایی که در جامعه وجود دارند به صورت رسمی و آمرانه خواهان همنوایی نباشند ولی یک نمونه بیش از نمونه های دیگر در جامعه وجود داشته باشد معتقد است که در صورتی عنوان انحراف به خود میگیرند که نمونه های دیگری که از فراوانی کمتری برخوردارند توسط افراد انتخاب و مورد عمل قرار گیرند.

او در بیان تفاوت بین انحراف و کجروی می گوید: «انحراف عبارت است از حق انتخابی که اعضای یک جامعه بین مدلهای مجاز دارند و کجروی انتخاب مدلهایی است که یا در مورد آنچه که مجاز است می باشند و یا خارج از آن. اما جامعه شناسان فارسی زبان تفاوتی

بین منحرف و کجرو نگذاشته اند به طوری که برخی Deviant را به معنای کجرو و برخی آن را به معنای منحرف دانسته اند .

۴-۲ انواع انحراف جامعه شناسان : برای انحراف تقسیماتی کلی ذکر کرده اند که مهم ترین آنها عبارتند از انحراف اولیه و ثانویه انحراف آگاهانه و غیر آگاهانه انحراف مثبت و منفی انحراف فردی و گروهی در ذیل هر یک از این اقسام جداگانه توضیح داده می شود :

الف) انحراف اولیه و ثانویه انحراف اولیه یا نخستین در مواردی به کار میرود که افراد دچار انحرافهایی گذرا و تصادفی شده اند، در حالی که زندگی آنها تحت تسلط الگوی انحرافی قرار نگرفته باشد؛ مانند دانش آموزی که هنجارهای موجود آن ،است ارائه می دهند در مقابل افرادی همچون بزهکاران قاچاقچی ها دچار انحراف منفی هستند د انحراف فردی و گروهی انحراف فردی در مورد فردی به کار برده می شود که به تنهایی هنجارها و ارزشهای جامعه را زیر پا گذارد اما انحراف گروهی زمانی است که تعدادی از مردم به صورت دسته جمعی هنجارهای جامعه را نادیده بگیرند و بر طبق آن عمل نکنند مانند گروههای بزهکار یا شبکه های جاسوسی که به صورت گروهی و با مشارکت یکدیگر مرتکب اعمال خلاف و زشت می گردند. پاک نژاد همان (۵۲) انحراف اجتماعی انحراف اجتماعی از جمله مسائلی است که در حوزه آسیب شناسی اجتماعی بدان پرداخته می شود. انحراف صفت منسوب به برخی رفتارها یا اشخاص نظیر بزهکاری یا بیماران روانی است. این موضوع از آراء متقدم آسیب شناسی اجتماعی اخذ شده است (محمدی، ۱۳۸۵)

جامعه شناسان، انحراف را نه مانند صفتی رفتاری یا نوعی شخصیت بلکه به منزله ویژگی برخی وضعیت های اجتماعی یا کارکردهای ساختی نظام اجتماعی در نظر میگیرند. (محمدی ،

۱۳۸۵) مجموعه صاحب نظرانی را که تعریفی از کج رفتاری انحراف) ارائه داده اند می توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد :

۱ - گروهی که کج رفتاری را پدیده ای واقعی و دارای صفتی میدانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص و تفکیک است. (نتلر، ۱۹۸۴ و هرشی (۱۹۷۳)

۲: دسته دوم آنانکه مدعی اند کج رفتاری لزوماً واقعی نیست و برخی افراد به اشتباه یا از روی غرض برچسب میخورند از سوی دیگر صرف ارتکاب نوعی خاص از رفتار چنانچه عده ای متوجه نشوند یا قدرت انگزنی نداشته باشند باعث میشود لزوماً فرد کج رفتار تلقی نشود. بنابراین از نظر این گروه اساساً این انگ است که کسی را کج رفتار می کند و نه نفس رفتار (ارمن و لاندمن، ۱۹۹۶؛ سیمون، ۱۹۹۶؛ بکر، ۱۹۷۳ و اریکسون، ۱۹۶۲ صدیق سروستانی ۱۳۸۷) به صورت عام از نظر جامعه شناسان انحراف را می توان ناهمנוایی با مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که شمار زیادی از افراد یک اجتماع یا جامعه پذیرفته اند (آنتونی، ۱۳۸۷) تخطی از هنجارها، طیف وسیعی دارد؛ چنان که در سطح کلان جامعه با اتلاف و قصور و بی نظمی و لا ابالی گری تداعی میشود و در سطح میانه جامعه به نظامی گری و ناامنی و بی تخصصی و ناآگاهی تعبیر می گردد و در سطح خرد جامعه سر از بیماری و بزه و جرم و گناه در می آورد. (محمدی ۱۳۸۵).

۶-۲ رفتار انحرافی رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک رفتاری یک گروه خاص سازگاری نداشته و اعضای جامعه آن را ناپسند و نادرست بدانند. ملاک و معیار جامعه برای اطلاق واژه منحرف یا کجرو به فرد ارزشها و هنجارهای اجتماعی است . لذا فردی که برخلاف آن معیارها عمل کند و در عمل خود پافشاری، نماید به طوری

که موجب سلب امنیت اخلاقی و اجتماعی شود، از سوی اجتماع به عنوان منحرف و کجرو شناخته می شود و رفتار او در حوزه جامعه شناسی تحت عنوان « انحراف اجتماعی» یا «کجروی اجتماعی» مورد مطالعه و تبیین قرار می گیرد که اعتیاد روسپیگری انحرافات جنسی، سرقت، قاچاق فرار از خانه خودکشی و ... از جمله این انحرافات می باشد. (محبوبی منش، ۱۳۸۹) هدف از بیان این، تعاریف توجه به نکات ذیل می باشد:

-در بیان تعریف انحراف، اقدام خلاف هنجار یک گروه اندک، هم انحراف خوانده می شود و تبعات بعدی یک انحراف و بزه را در پی دارد در نتیجه با اندک شمردن تعداد مبتلایان به یک رفتار نابهنجار نمیتوان آن را از دایره بررسی دور نگه داشت و از شمول پیامدهای ناگوار خارج ساخت زیرا هر فردی که رفتار انحرافی انجام دهد به عنوان منحرف معرفی می شود و تعداد افراد تاثیری در این زمینه ندارد .

۷-۲ ویژگیهای جسمانی از لحاظ جسمی ویژگیهای متفاوت فراوانی بین زن و مرد وجود دارد به عنوان مثال زن و مرد در درشتی و کوچکی اندام کوتاهی و بلندی، قد تازگی و خشونت صدا سرعت رشد در مقاطع مختلف تحول میزان و مدت مقاومت زمان و طول مدت ظهور واقول بلوغ جنسی و کارکردهای مرتبط با آن و ... با یکدیگر تفاوت جدی و چشمگیر دارند. این ویژگیها همانند هر صفت انسانی دیگر همان گونه که زمینه ساز رشد میباشد قادر است، زمینه اقول و الخطاط انسان نیز باشند. (بون، اندیشه، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶) البته این تفاوتهای جسمی در هدف این نوشتار تاثیری نداشت لذا مورد بررسی قرار نمی گیرد.

تنها ویژگی جسمی متفاوت زن و مرد که در این مبحث نقش اساسی دارد اختلاف جنسیت این دو است. جنسیت مبنای تقسیم انواع متفاوت موجودات زنده از جمله، انسان به دو جنس

مذکر و مؤنث می باشد اولین ویژگی صنفی زن از نظر جسمی برخورداری وی از ارگانسیم زنانه و صفات ارگانیکی خاص جنس مؤنث می باشد این ویژگی جدای از برخی خصلتهای روحی و روانی که برای زن به همراه دارد، مجموعه ای از توانمندیها و استعدادها را نیز برای وی به ارمغان می آورد که از بین آنها برجسته ترین همانا برخورداری از شأیت مادری است در تأثیر این استعداد منحصر به فرد همین بس که تنها استعداد مادری برای متمایز ساختن زن از مرد کافی است در این مرحله انحرافهای فکری که موجب انحرافات اجتماعی خاص زنان می شود بیان می گردد، اما باید توجه داشت انحرافات که در کمین زنان هستند به جهت آنکه تیر آن قلب مادر هستی را نشانه می گیرد، فقط زنان را به مرز نابودی نمی کشاند، بلکه تمام هستی را به نابودی و فنا دعوت می کند.

۷-۲-۱ انکار جنسیت به عنوان عامل توالد حادثترین و شکننده ترین شکل انحراف آن است که زنان صفات جسمی خود را انکار نمایند زنانی که حاضر به پذیرش نقش و کارکردهای مبتنی بر جنسیت نیستند به تقدیر الهی که مسئولیت مادری را بر عهده آنان نهاده است اعتراض دارند و این نقش را برای خود نه یک ارزش بلکه یک نقص تلقی می کنند و مردان را به واسطه نداشتن این ویژگی می ستایند. لذا در برابر مردان احساس حقارت و پستی می نمایند آنها مادر بودن را درد سر ناخواسته و عامل رکود فعالیت انسانی خود می دانند و هرگز چاره اندیشی برای رهایی از این بند و حصار را از ذهن خود دور نساخته و همیشه در پی تدبیر می باشند نهضتهای تغییر جنسیت محصول این اندیشه هستند، فمینیست های افراطی دامنه برابری زن با مرد و آزادی زنان را تا محو آثار ناشی از اختلاف جنسیت می کشانند و به آن نیز معترض شدند! زیرا معتقدند هیچ حوزه ای در، جامعه از تبیین مردانه بر کنار نیست؛ لذا باید

در هر جنبه ای از زندگی زنان که هم اکنون طبیعی تلقی می شود تردید کرد. آنان تمایز جنسیت را محصول نظام مردسالار می دانند. این نهضت زن گرای افراطی، ازدواج را از این جهت که زن را به موجودی خانه دار فرزندزا و خود دیگری و مرد را به نان آور، پدر و من اصلی تبدیل می کند، مورد انکار قرار می دهند. (مؤسسه طه، ۱۳۷۷، ص ۱۶) امتناع ورزی زن از پذیرش مسئولیت، فرزندآوری از جمله انحرافات اجتماعی این تفکر است البته در برخی از جوامع همانند جامعه اسلامی ایران این نوع امتناع ورزی به صراحت بر زبان ها جاری نمی شود، ولی تأثیر مستقیم آن در امتناع از فرزندآوری قابل انکار نیست. در برخی موارد آنها به ناچار فرزند آوری را می پذیرند، ولی رفتارهای سرزنشی فراوان از خود نشان می دهند که تأثیر منفی این گونه رفتارها بر جنین و فرزندان آنها بسیار عمیق و زیاد است رفتارهایی مانند سقط جنین به انگیزه ناخواسته بودن، انعقاد خودآزاری به قصد سقط جنین، خودداری از شیردهی و مراقبتهای مادرانه بعد از تولد، حتی برابر قرار دادن مسئولیت شغلی و حرفه ای با نقش مادری، سپردن اطفال به مهد کودک و گاهی ترجیح دادن مسئولیت اجتماعی بر نقش تکوینی و ... نشان از این نوع تفکر است. بی تردید این عقاید و رفتارها پرده از عمق انحراف بر می دارد که چگونه یک ویژگی و استعداد به نقص و حتی عامل ناکارآمدی بدل می گردد. جالب است، به ادامه این گونه عقاید و رفتارها توجه شود، که چگونه در صدد حذف و انکار نقش جنسیت از زندگی بشری بر می آیند. از نظر این نهضت افراطی، مخالفت با تولید مثل و مشکل رایج روابط جنسی باید به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم باقی بماند. آنان برای رهایی از فرزند پروری به زنان، کودکان آزمایشگاهی و باروری مصنوعی را پیشنهاد می دهند زیرا نظریه پردازان این گروه معتقدند تفاوت زن و مرد مبنای زیستی دارد و این امر نوعی روابط اجتماعی را سبب می شود که زنان برای تأمین امنیت جسمانی به وابستگی مردان تن می

دهند ، اما هم اکنون چون پیشرفتهای تکنولوژی بارداری از جمله لقاح خارج از رحم سبب از بین بردن مبنای زیستی فرودستی زن را میسر ساخته است لذا سلطه مردانه دیگر ضرورتی ندارد؛ چرا که پیشرفتهای انسانی بر طبیعت غلبه کرده است. (همان ، ص ۱۸) برای ارتباط دادن این طرز تفکر با انحراف اجتماعی کافی است به این سؤالها پاسخ داده شود؛ آیا مادری یک عمل و فعالیت فردی است؟ آیا هر کسی میتواند مادر باشد و نقش مادری را ایفا نماید؟ به نظر می رسد مادری و مادر شدن فقط در اجتماع معنا و مفهوم پیدا می کند آن هم در رکنی ترین نهاد اجتماع که خانواده است . زیرا به عقیده تمام جامعه شناسان خانواده اولین و ضروری ترین نهاد پذیرفته شده اجتماع انسانی است. اگر این نهاد اساسی و بنیادین در نقش های مورد پذیرش خود دچار انحراف گردد تنها یک نهاد آسیب نمی بیند بلکه تمام اجتماع آسیب می بیند چون این نهاد اساس تمام نهادهای جامعه است . لازم به ذکر است که اگر چه این انحراف از جامعه زنان آغاز می شود و از انحراف های اختصاصی جامعه زنان است و باید آن را در نوع خود از انحرافات مخصوص زنان دانست، ولی همانند تمام انحرافهای اجتماعی محدود به جامعه و محیط خاص نیست و در همان محدوده، محصور نمی ماند و دامنه آن تمام جامعه را دربر میگیرد .

۱-۲-۷ تحلیل روان شناختی و تربیتی

از دیدگاه تربیتی و روان شناختی ریشه این گونه انحرافها را باید در رشد نیافتگی هویت فردی و اجتماعی آدمی جستجو نمود آنگاه که انسان مراحل رشد و تحول شناختی را به خوبی طی نکند به آنکه توانایی عقاید و ارزشهای خویش را بیابد و بشناسد در پی آن است تا خود را در کوچه و پس کوچه های مقایسه با دیگران ببیند و معرفی نماید. چنین زنانی چون هویت

فردی و اجتماعی خود را فراموش کرده و یا نشناخته اند در صدد مقایسه با مردان می باشند و برای خود هیچ گونه تمایز کار کردی و مسئولیتی را نمی پذیرند و حتی برخورداری از اختلاف عضوی و ارگانیکی را یک نوع تبعیض ناروا و نقص در وجود خویش می انگارند (شاملو، ۱۳۷۰، ص ۱۷۴) چنین افرادی اختلاف در جنسیت را که ریشه در تکوین دارد نابجا و ظالمانه می شمارند. از دیدگاه روان شناختی انسان رشد یافته خود را به دارایی و توانایی های خویش می شناسد و به این دارایی و تواناییها افتخار می کند نه آنکه آنچه دارد بی ارزش شمارد. لذا این انحراف نوعی اعتراض به تکوین است. یعنی این گونه افراد در نهایت یا به زن بودن خود اعتراض داشته یا به وجود زن در نظام هستی معترض می باشند اگر چه این دو شکل اعتراض در پیامد و نتایج با هم متفاوت است ولی در جوهر و ماهیت یک نقطه را نشانه گرفته اند که زن بودن و تمام مسئولیتهای ناشی از آن نابجا است و ظالمانه می باشد و نباید زیر بار زن بودن رفت بدون تردید این سخن برخاسته از ضعف رشد شناختی و اندیشه ورزی است و حمل، بارداری و شیردهی یک پدیده ای اجتماعی نیست، بلکه فعل محض خلقت و محصول طبیعت است. (فنائی اشکوری، ۱۳۷۸، ص ۱۳) لذا هر گونه اعتراض و نارضایتی در این مورد منشأیی جز بی خردی و رشد نیافتگی شناختی ندارد این گونه افراد گویا هنوز به جبر در اصل خلقت و صنف آن پی نبرده اند. فقدان ساختار شناختی مناسب و مستحکم این افراد را به این موضع گیری کشانده است. لذا تصحیح ساختار شناختی، بهترین راه مواجهه با این انحراف است. پیامدهای این انحراف خارج از شمار است و کمتر می توان یا هرگز نمی توان گفت، چند آسیب از این ناحیه متوجه آدمی می شود. چه آنگاه که پای حذف و انکار جنسیت به میان کشیده شود، نه تنها بقای بدترین نوع موجودات تهدید و نابود می گردد بلکه هستی بی مادر می شود و نقش مادری بر زمین می ماند افزون بر اینکه بسیاری از مسئولیت های خطیر

همچون شیردهی، کودک پروری، پرستاری مادرانه و مهربانانه، عشق بی منت و جای خود را به تغذیه ماشینی کودکان پرورشگاهی، کارمندان پرستار و ... می دهد؛ واضح است که چنین فضایی نه تنها شایسته پرورش نسل آدمی نیست بلکه شایسته زندگی هم نمی باشد و کودکانی هم که در چنین مکانی رشد می یابند از ابتدایی ترین نیازهای رشد بی بهره میگردند (زینتی، ۱۳۸۸)

۷-۲-۱-۲ پیشگیری و درمان راهکارهای پیشگیری از این انحراف که مورد نظر اسلام هم می باشد، به قرار زیر است:

بند اول: ایجاد بینش و شناخت نسبت به عظمت منزلت زن به عنوان مادر

مادر بودن در اسلام یک ارزش تلقی میشود آن گونه که پیامبر اکرم (ص) در این مورد می فرمایند؛ بهشت زیر پای مادران است. (محمّدی ری شهری ۱۲۱۹ ص ۷۱۲). در سخنی دیگر ایشان می فرمایند: «هنگامی که زن باردار میشود همانند روزه دار شب زنده داری است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می کند». (همان ص ۲۷۵) همچنین در روایت دیگری آمده است هر بار مکیدن شیر توسط کودک موجب ارتقای مقام و منزلت مادر در آخرت می گردد و همزمان با کامل شدن دوران شیردهی تمام گناهان مادر آمرزیده می شود (نوری بیتا، ص ۱۵) آنگاه که قرآن در صدد احترام پدر و مادر بر می آید به دو بیان از آنها یاد می کند در یک بیان تغییر به والدین کرده و هر دو را مورد احترام و تکریم قرار می دهد (سوره احقاف آیه ۱۵) ولی مجدد در بیانی اختصاصی به تکریمی خاص از مادر می پردازد. جالب آنکه این سخن حضرت حق تذکر یک وظیفه زنانه نیست، آن گونه که برای مرد وظیفه اختصاصی را بیان می کنند بلکه بیانی حق شناسانه و تشکر آمیز از زن به عنوان مادر است همان این تشکر

اختصاصی حضرت حق از زن در برابر مرد نشان از تکریم مستقیم مادر بودن و بزرگی منزلت وی در بارگاه قدس الهی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

بند دوم: ارزش گذاری بی حد و حساب به فعالیت‌های زن در خانه

در معارف اسلامی نه تنها مادر بودن ارزشمند است بلکه انجام وظایف مادری نیز نزد پروردگار از منزلت والا برخوردار است و برای زنی که در انجام وظایف همسری و مادری کوشش می کند به میزان روزه داران شب زنده دار پاداش در نظر می گیرد همچنین هر گاه زن در منزل همسر خود به سامان دادن امور پردازد و به این منظور وسایل منزل را جابجا نماید خداوند به نظر رحمت به او می نگرد و هر که خداوند به او نظر افکند هرگز عذابش نمی کند. (الحر العاملی، ج ۱۵، ص ۱۷۵).

بند سوم: توصیه به مردان برای انجام رفتارهای کریمانه جهت تکریم از زن

اسلام اکرام و احترام نمودن به زن در محیط خانه و در محفل خانواده را بسیار سفارش نموده است (بقره، ۲۲۳) آیا تکریم عملی از این بهتر می توان تصور کرد که تلاش در راه تأمین رفاه و آسایش همسر و فرزندان، جهاد در راه خدا شمرده شود. (الصدوق، ص ۲۷۸) آنگاه که خدمت برای وی این قدر بها دارد ارزش خود مخدوم فراتر از این مرز و حد است در بیانی حکیمانه از رسول خدا (ص) که در واقع قانونی کلی برای همه مردان می باشد آمده است بهترین شما مردان کسی است که برای همسر و فرزندانش بهترین باشد همان گونه که من برای خانواده ام بهترین هستم (الحر العاملی، ۱۹۸۳، ج ۱۴، ص ۱۲۲). بدون تردید

تکریمی عملیاتی تر از این برای زنان نمی توان یافت که ای مردان اگر می خواهید انسان خوبی باشید پس بکوشید همسر خوبی برای زنان خویش باشید .

۳-۲-۷ محوریت جنسیت در روابط اجتماعی

این انحراف بر اساس تمایز جسمی و فیزیولوژی روابط اجتماعی زنان را تهدید می کند. در این انحراف دیگر جنسیت و کارکردهای مبتنی بر، آن نه تنها منفور، نیست بلکه این کارکردها در تمام صحنه های روابط اجتماعی مطرح می باشد زن خود را ابزاری برای رسیدن به تمام خواهش ها و خواسته های خویش و دیگران قرار می دهد لذا جنسیت به ویژه صفات مستقیم جسمی، روحی و روانی ناشی از آن و به خصوص کارکرد اصلی آن رفتار جنسی خاص - بر تمام فعالیت های انسان حتی فعالیت های، سیاسی اقتصادی و فرهنگی تأثیر می گذارد و چه بسا از این خصیصه رنگ می گیرند و به خدمت آنها در می آیند (زینتی، ۱۳۸۸) اولین شکل انحراف جنسیت با تمام کارکردهایش ابزاری بودن است که به صورتهای مختلفی از قبیل جلب سود بیشتر برای شرکتهای تجاری و وجه المصلحه قرار گرفتن در قراردادهای و مناسبات سیاسی می باشد. شکل دیگری از این انحراف محور قرار گرفتن جنسیت و ویژگیهای بی واسطه آن به گونه ای افراطی در تمام فعالیتهای انسانی است یعنی روابط جنسی انحرافی بنابر اقتضای سنی افراد، موقعیت زندگی و شرایط زمانی در تمام روابط اجتماعی نمود پیدا می کند ، از دوستی با جنس مخالف گرفته تا روابط نامشروع . بنابراین نتیجه این انحراف همانا خارج نمودن این ویژگی جسمی از کارکرد اختصاصی آن است زیرا به خدمت گرفتن کارکردهای جنسیت و ویژگیهای آن در مسیر فعالیتهای سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نگاه ابزاری به زن به عنوان موجود برخوردار از این استعداد در راه نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی، تجاری و

شاید اهداف مکاتب غربی را برآورده سازد ولی روابط انسانی را سخت مخدوش و منحرف می سازد تأثیر این شکل از برخورد با زن و استعدادهای وی بر اخلاق، روابط اجتماعی و خانوادگی بر کسی پوشیده نیست چون در واقع سودجویان معامله گر و بازیگران سیاسی به هدف متأثر ساختن تصمیم های فردی و اجتماعی انسانها در قلمر و رفتارهای، اخلاقی، تجاری و اجتماعی این گونه به سوء استفاده از وجود زن و صفات جسمی او روی می آورند. دومین شکل این انحراف آن است که کارکردهای جنسی به صورت افراطی و تمام عیار تعیین کننده رفتار و تأمین کننده انحراف شخصی قرار می گیرد در این انحراف استعداد و ویژگی های جنسی در خدمت اهداف اقتصادی و سیاسی نمی باشند بلکه این استعداد جنسی خود هدف قرار گیرند و اهداف سیاسی و اقتصادی به حاشیه کشیده می شوند. گویا آدمی به دنیا آمده است تا آنها را ارضا کند لذا در تمام صحنه ها حتی در صحنه فعالیتهای اجتماعی ارضای آن را جستجو می کند و از این طریق هنجارهای جامعه را زیر پا می گذارند در حالیکه استعدادهای به ودیعه نهاده شده در نهاد انسان از جمله استعدادهای جنسی وسیله ای جهت کمال و تعالی انسان می باشند نه اینکه خودشان هدف قرار گیرند و تمام توان فکری، جسمی، انگیزی وقت و همت انسان مصروف آن شود. این نگاه افراطی باب ابتلا به انواع متنوع انحرافهای اجتماعی را فرا روی آنها می گشاید که موجب می شود زن خود را فقط به همین خصایص معرفی نماید و جامعه هم تنها وی را به این صفات بشناسد گویا ویژگیهای جنسی زنانه تنها صفت خاص آنهاست. آرایش های غلیظ، جلوه گری های جنسی و خودنمایی های شهوت انگیز گوشه ای از این رفتارهای انحرافی است. ضرر افراط در این نوع رفتارها که مرز جامعه با فضای خصوصی را در هم شکسته است بر کسی پوشیده نیست شاید آنها در پس این افراط گری ها نیت پلیدی در سر نداشته باشند، ولی در این سخن تردید نیست که افراط در هر رفتاری آسیب

زا است و در این مقام نیز اثری جز انحراف و خسارت نصیب جامعه نمی شود البته این انحراف بعضاً در خانواده هایی که اظهار ایمان می کنند به شکلی دیگر خود را نشان می دهد؛ در این خانواده ها آن قدر به ظاهر و زیبایی دختران اهمیت داده می شود که تنها معیار برای شناخت دختران همین مورد می باشد. در این حال بعد انسانی و معنوی دختران فراموش می گردد و این امر سبب انحراف و آسیب این گونه خانواده ها می شود. (زینتی ۱۳۸۸).

۴-۱-۲-۷ نادیده گرفتن مسئولیتهای اجتماعی مبتنی بر جنسیت

انحراف اختصاصی دیگر زنان که بر جنسیت تکیه دارد، همانا نادیده گرفتن و رها ساختن مسئولیتهایی است که نظام تکوین در پرتو جنسیت به عهده زن گذارده است. این مسئولیت ها غیر از آن وظایفی است که مقررات اخلاقی قراردادهای اجتماعی و نقش مادری بر عهده زنان گذارده است که قبلاً برخی از آنها ذکر گردید. اگرچه در نگاه اولیه وظایف مادر به مثابه یک وظیفه فردی تلقی می گردد، اما واقعیت غیر از این است زیرا هیچ یک از این وظایف بدون ارتباط با دیگران و به صورت فردی محقق نمی شود، بلکه تمام آنها در یک ارتباط انسانی هر چند کوچک ولی در کانون و نهاد اصلی جامعه یعنی خانواده امکان تحقق پیدا می کند. لذا در حالی که این امور وظایف فردی تلقی می شوند، ولی چون نقش اجتماعی گسترده دارند در صحنه روابط خانوادگی بروز می کنند بدین جهت منجر می شود تا این وظایف از زاویه رفتار اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. (زینتی، همان) جامعه شناسان کارکرد اساسی نهاد خانواده را هم در فراهم ساختن حمایت زیستی از اعضای جامعه به ویژه کودکان و نوزادان و هم ایجاد واحد با ثباتی از جامعه پذیری به شکلی که کودکان بتوانند فرهنگ و مهارتهای لازم را برای زندگی در بزرگسالی کسب کنند می دانند. (ترنر، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳) در انجام این

وظایف خطیر تمام اعضای خانواده از جمله، مادر نقش اساسی را بر عهده دارد و فراموش نمودن مسئولیت اجتماعی و شانه خالی کردن از این مسئولیت خود موجب انحراف می شود. مگر انحراف اجتماعی همیشه با انجام عملی بروز می کند و با ترک مسئولیت اجتماعی نمی تواند به وجود آید؟ اگر زنان از مسئولیتهای اجتماعی شانه خالی نمایند، مطمئناً در مسئولیت مادری خود هم موفق نخواهند بود البته افراط و تفریط در این مورد نقش به سزایی دارد زیرا گروهی از زنان فقط خود را مشغول به فرزندان و امور خانه می کنند و گروهی دیگر آن قدر در اجتماع حضور دارند که از وظیفه اصلی مادری خویش غافل می شوند آنچه مطلوب می نماید این است که این حضور اجتماعی اعم از تحصیل و کار باید موجب تعالی و کمال زن شود که در راستای همسررداری و تربیت فرزندان جلوه گر می شود بنابراین یکی از بزرگترین خطرهایی که در کمین زن نشسته است، فراموش نمودن مسئولیتهای اجتماعی محوله به وی می باشد که تأثیر به سزایی در انجام نقش مادری دارد همان نه که شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیتهای فردی زن را از انجام تعهدش باز می دارد، پای بندی زن در انجام مسئولیتهای اجتماعی - به خصوص در حوزه نهاد خانواده - نیز چنین پیامدی را دنبال دارد اما پذیرش مسئولیتهای اجتماعی زمانی کارساز خواهد بود که زن از عفت برخوردار باشد.

واضح است که از بیان مفهوم تأثیر پاکی نسل و عفت بر روابط اجتماعی نمی توان چشم پوشی نمود. پاکی نفس است، در حالی که رعایت احکام شرعی راه رسیدن به پاکی می باشد. معلوم است انسان در مسیر پاکی با انسان واصل به پاکی (عقیف) تفاوت دارند. عقیف به پاکی رسیده است و انسان مقید به احکام چه بسا هنوز در راه باشد. در بیان دانشمندان علم اخلاق، عفت به معنای اطاعت نفس از نیروی عقل است به گونه ای که فرد هرگز در عملکرد خویش

روابط اجتماعی از خواش های نفسانی فرمان نمی برد. (سجادی ، ۱۳۶۲، ج ۲۹۵) مقصود از طهارت و پاکی نسل نیز تنها رعایت احکام شرعی مربوط به معاشرت ها نیست بلکه پرهیز از هر عاملی است که پاکی را از نسل آدمی سلب می کند هر چند این عامل تهدید کننده از کانال دیگری مانند تغذیه حرام در دوران کودکی ... نفوذ نماید و دین جهت حضور اجتماعی زن باید همراه با عفت باشد ، زیرا عفت در روابط با دیگران معنا پیدا می کند. لذا چنانچه زن در ارتباط با دیگران از گوهر عفت بی نصیب باشد ، به واسطه مسئولیت مادر بودنش - که یکی از ویژگیهای انحصاری او است - جامعه انسانی را آلوده می نماید . یعنی از کانال آلوده ساختن روابط اجتماعی آدمی را از بهره مندی از نسل پاک برای همیشه محروم می سازد . چون او مادر هستی است و آنگاه که مادر هستی به انحراف ، آلوده شود راه برخورداری از نسل پاک مسدود می گردد مجدداً خاطر نشان می سازد که عفت یک خصیصه اخلاقی است و به واسطه اهمیت و گستردگی نقشی که در وجود زن به عنوان مادر هستی دارد ، از زاویه یک انحراف به آن نگاه می شود. اگرچه وجود عفت برای هر یک از مرد و زن بی تردید ضرورت دارد ولی به واسطه نقش زن در آفرینش وجود آن برای زن ضروری تر است این مهم در حالی است که فراهم آمدن آن به شکل ، کامل جز در پرتو خانواده که کانون آفرینش نسل انسان است ممکن نمی شود (زینتی ، همان)

۵-۱-۲-۷ ویژگیهای شناختی

متأسفانه آنچه امروزه بر زبانها جاری است زن را از نظر شناختی (عقل) در درجه دوم و پایین تر از مرد قرار می دهند در حالی که این سخن از حقیقت بهره ای ندارد و منابع اسلامی این ایده را رد می کنند. اما این طرز تفکر درباره زن ، خود زمینه ساز انحرافات فراوان در مورد

نیمی از پیکر هستی گردیده است. اگر از دیدگاه اسلام بتوان تفاوتی بین مرد و زن اثبات کرد تنها از نظر «عقل اجتماعی» و «عقل ابزاری» است. (جوادی آملی همان، صص ۶۸-۶۵) یعنی عقلی که نیروی اعمال مدیریت تدبیر تحصیل معاش و ... را برای رسیدن به هدف مطلوب در اختیار مرد قرار می دهد برتری دارد و موجب مسئولیت سپاری سنگین به مرد می شود و قبول برخی مسئولیتهای اجتماعی همچون جهاد قضاوت و... را برای مرد ممکن و حتی واجب می داند. (همان، ص ۶۰) در مسئولیت آور بودن این امور هیچ تردیدی نیست چه هرگز کسی صرفا به واسطه اجتهاد، قضاوت حتی جهاد لایق قرب الی الله نمی گردد و به مقام قرب راه نمی یابد تا آنکه از این مناصب و مسئولیتها دور هستند - یعنی جامعه زنان - نالایق تلقی گردند. اما در عقل عملی که معیار فضیلت بین زن و مرد است اندک برتری و تمایزی نیست. آن عقلی که ممکن است در مرد برتر از زن باشد عقل سیاست و عقل کار اجرایی است و اگر کسی در مسائل سیاسی یا اجرائی عاقلانه تر و خردمندانه تر عمل کرد، نشانه آن نیست که به خدا هم نزدیک تر است چه بسا همین هوش سیاسی او را به جهنم و انحطاط بکشاند. (جوادی آملی، صص ۶۸-۶۵)

جلال زن در جمال او نهفته است و جمال مرد در جلال او تجلی می یابد و این توزیع کار نه نکوهشی برای زن است و نه ستایشی برای مرد محسوب می گردد بلکه دستور عملی هر کدام از آنها است و هر که به مسئولیت خود عمل کند درخور ستایش است و در صورت تمرد سزاوار نکوهش می باشد و الا زن چون، مرد شایسته فراگیری علوم و معارف بوده است. اگر زن راه فراگیری علوم و معارف را پیش گیرد و زینت دنیا را رها کند، همچون مرد است و اگر مرد نیز راه علوم را رها سازد و به زیور و زینت دنیا سرگرم شود چون زن است. علت این

تقسیم بندی غلبه خارجی است و الا صفت ذاتی زن که تغییر ناپذیر است ، سرگرم شدن به زیور و حلیه نیست تا از احتجاج های عقلی و علمی و مناظره های معرفتی محروم بماند (همان) پس برتری عقلی مرد بر زن پنداری بی اساس می باشد و در این میان آنچه معیار کمال انسانی است همان «عقل عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان» می باشد البته این اندیشه بی پایه و اساس تأثیر خود را بر روابط و رفتار فردی و اجتماعی انسانها به خصوص جامعه زنان گذارده و زمینه دو انحراف اساسی در جامعه زنان را به وجود آورده است. البته در بروز و گسترش این انحرافها، فعالیت انسانهای پلید هم بی تأثیر نمی باشد انسانهای نابکار هم این انحرافها را به وجود آورده و به آنها دامن زده و هم از تعمیق آنها فرو نمادند و از این فرصت طلایی برای نیل به اهداف خود بهره ها گرفتند این دو انحراف عبارتند از

۷-۲-۲ حاشیه راندن زنان در فعالیتهای علمی و شناختی جلوههای اجتماعی این انحراف شناختی و تحصیلی که دامن گیر جامعه زنان شده است هنوز باقی و مشهود است. علی رغم تلاشهای فراوان هنوز عده بسیاری از زنان نه تنها از ادامه تحصیل در سطوح عالی باز داشته می شوند؛ بلکه حتی از سواد آموزی آنها نیز جلوگیری می شود. البته شاید امروزه به شکل صریح این ممانعت ظهور پیدا نکند اما در مسیر پیشرفت علمی آنها همچنان مانع تراشی وجود دارد این انحراف آنقدر عمیق و گسترده است که حتی آنها از برآوردن نیازهای اختصاصی مربوط به قلمرو زیستی و تامین نیازهای اولیه عاجز مانده اند لذا با وجود توان علمی غیر قابل انکار هنوز در تامین بسیاری از این نوع نیازهای اختصاصی خود محتاج تلاش علمی مردان هستند کمبود پزشک متخصص زنان و مراجعه اولیه به پزشکان مرد شاهد صادقی بر این مدعی است . شاید گفته شود که با توجه به آمار دختران شرکت کننده در کنکور دانشگاهها، این سخن از

صحت بی بهره، است ولی در پاسخ باید توجه نمود که این آمار در مقایسه با پسران شرکت کننده برتری دارد و گرنه در مقایسه با کل جمعیت زنان نمیتوان چنین ادعای نمود چون تعداد بسیاری از دختران حتی به دوره متوسطه راه پیدا نمی کنند و قبل از رسیدن به این دوره تحصیل را رها می نمایند لذا پدیده هایی همچون ترک تحصیل دختران، باز داشتن آنها از تحصیل، تعجیل در ازدواج آنان، خانه نشینی، اشتغال زودهنگام آنها در مشاغل و پستهای پایین غیر تخصصی برخورد کردن با مشاغل زنانه به جای تخصصی نمودن آن حرفه ها (مانند آموزش خانه داری، خیاطی آرایشگری هنرهای ملی و بومی و انواع حرفه آموزشیهای زنانه دیگر و غیر تخصصی و گاه سنتی برخورد کردن با مسئولیتهای مادری مانند بچه داری شیردهی و تربیت دوران کودکی و ناآشنایی با شیوه های علمی برخورد با بچه و مواجه با رفتارهای غیر عادی او همانند پرخاشگری، لجبازی بی قراری انزوا طلبی و... جملگی نموده های این انحراف می باشند که حتی برای برخی متخصصان فن نیز پوشیده مانده است .

انتظار جامعه از مادران آن است که به شیوه های نوین تربیت و پرورش فرزندان آشنا باشند و روشهای برخورد با بچه های سازگار و ناسازگار را بشناسند و در صحنه های لبریز از تنوع رفتاری و آموزه های پر زرق و برق وی را به سوی آنچه به صلاح است رهنمون گردانند. پر واضح است که پشت پا زدن به انتظارات جامعه انحراف تلقی می شود و راه نجات از این انحراف افزایش سطح انش مادران در تمام حوزه ها به ویژه قلمرو مسئولیت مادری است آشنایی مادران قبل از بچه دار شدن با روشهای علمی برخورد با کودک موجب می شود سطح دانش آنها افزایش یابد و از این رهگذر دانش و علم آنان افزایش پیدا می کند. لذا بسیاری از خانواده ها حتی خانواده های مسلمان برخی از انحرافات فوق الذکر را نه انحراف بلکه یک

افتخار می‌دانند گویا هرگز نشنیده‌اند که طلب العلم فریضه‌ی علی کل مسلم و مسلمة (محمّدی ری شهری، ج ۷، ص ۴۶۳) و یکی از شاخه‌های دانش، علم زندگی است و پرورش فرزند تنها در کلاس زندگی ممکن می‌گردد.

۱-۲-۲-۷ بی‌صلاحیت شمردن زنان در دانش‌اندوزی براساس این طرز تفکر زن موجودی پست و دور افتاده از تکامل است و عنصر زائد بر خلقت و موجودی نالایق در تربیت پذیریهایی عالی تلقی می‌شود صاحبان این اندیشه معتقدند عقل معیار اساسی و تنها کانال تکامل معنوی و شرط منحصر بی‌بدیل تعالی روح انسان و تقرب الهی است و زن به واسطه اینکه از این توان بی‌نصیب و از این نعمت بی‌ بهره است هرگز توان رسیدن به مقام قرب و تعالی را ندارد لذا از کسب و تحصیل ارزش‌های اکتسابی ناتوان و بی‌نصیب است. بهترین جایگاهی که وی می‌تواند به آن برسد همانا جایگاه ابزاری و مقام آلی - نه عالی - است. یعنی جایگاهی که بتواند برای دیگران بهترین خدمت را در مسیر نیل به اهدافشان فراهم آورد و آنها را به مراتبی که لیاقت دارند و او خود از آنها بی‌نصیب است، یاری رساند. به عبارت دیگر بهترین زنان افرادی هستند که بهترین خدمت را برای انسانهای لایق ترقی و تکامل، که فقط مردان هستند فراهم آورند این اندیشه موجب می‌گردد زن عنصر طفیلی هستی قلمداد گردد و راه بسیاری از فعالیت‌های عالی و تعالی بخش برای او مسدود گردد. همان گونه که گذشت هرگز در مقام و منزلت انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست. در مکتب اسلام آدمی مرکب از روح و جسم است که اصالت از آن روح است روح هم از آن جهت که مجرد است مذکر و مؤنث ندارد از همین رو در قرآن سخن از تزکیه روح است، نه آنکه سخن از زن و مرد باشد زیرا برای روح زن و مرد مطرح نیست، همچنین این گونه نیست که زن و مرد هر دو

مطرح باشند و در مرتبه مساوی قرار گرفته باشند، چون سالبه به انتفای موضوع است. به خاطر این که زن و مرد بودن مربوط به پیکر و جسم است نه روح و جان در حالیکه تعالی و تکامل یا نقص و کاستی مربوط به روح است که در آن زن و مرد معنا ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۶۵-۶۸) جلوه اجتماعی چنین طرز تفکری همانا نقصان جایگاه اجتماعی و ارزشی زنان و محرومیت آنها از مشارکت در برخی فعالیتهای اجتماعی به ویژه فعالیت‌های عالی و برتر است. در این اندیشه دیگر زن توأم با کمالات و ارزشهای والا مطرح نیست زن وسیله ای در خدمت اهداف و روند تکاملی دیگران قرار می گیرد بروز انحرافات همانند به کار گماردن زنان در مشاغل سطح دو و سه سرگرم ساختن آنها به تجملات زیباسازی و زینت های بی محتوا، تبرج و خودنمایی آرایش های جلوه گرانه یا تابلوی برجسته تبلیغات تجاری و در ویتترین گذاشتن اندام خود جهت پیامهای، تبلیغی تجاری و... نمودهایی از این نوع بینش و طرز تفکر است چون بر اساس این طرز تفکر، زن جوهری فراتر از ظواهر نمایان خود ندارد تا خود را به آن صفات و خصال معرفی کند و آنها را به تکامل برساند. آنکه از درون تهی است، هر چه دارد همین ظاهر است و کالایی برتر از ظاهر دلربا و پسندیده ندارد در نتیجه باید به همین ثروت ظاهری خود را مشغول سازد و همین ظواهر را به تکامل رساند. از این دیدگاه شخصیت زن در برخورداری از جواهرات چشم نواز لباس شیک و جذاب اندام شکیل و موزون زیبایی رخسار و ... به تکامل می رسد چون استعداد بالقوه ای غیر از این ندارد تا به شکوفا نمودن آن بیانیدشد. مقصود از این بیانات کتمان تفاوت‌های جسمی و ظاهری زن و مرد نیست. لطافت و ظرافت زن پذیرفته شده است ولی آنچه در این میان مقصود است، همانا تهی نمودن گوهر وجود آن از تمام استعدادهای الهی انسانی و صفات تکوینی بی بدیل و محدود کردن تمام وجود او در ویژگی های ظاهری و جسمانی است گویا تمام ارزش همین است و منتهای خط

تعالی وی نیز همین می باشد آنگاه که وجود زن فاقد تمام استعداد های فکری و بی نصیب از سطوح عالی اندیشه ورزی معرفی می گردد. دو نوع نگرش نابجا و باطل درباره زن و شخصیت وی در ذهن خودش و دیگران نقش می زند:

الف) نگرش ابزار انگاری ین نگرش از زن کالایی سود آور، بازیچه ای انعطاف پذیر در رسیدن به هر هدف عالی و پست و به جهت بازی گری و تن نازی در هر فعالیت فردی اجتماعی و ویتروینی پر زرق و برق و جذاب در بازار جلب مشتری می آفریند و می سازد . نگرش اهریمنی و نقصانی روی دیگر این نگرش معرفی زن به مثابه موجودی ناقص و فاقد قوای عالی فکری است زن چون از توان فکری لازم برخوردار نیست نه خود قادر به رشد و تعالی است و نه لایق عهده دار شدن مسئولیتهای خطیر و عالی می باشد چه ذات نایافته از هستی، بخش کی تواند که شود هستی بخش، زن هرگز مبدا خوبیها و رشد متعالی نمیتواند باشد برای او همین کافی است که منشاء شر و بدی، نباشد گرچه به واسطه ناتوانی، فکری زمینه فساد و انحراف در وی بسیار زیاد است و به طرف تباهی تمایل فراوان دارد . ۲-۲-۷ ویژگیهای انگیزشی در روان شناسی انگیزش به علت و چرایی رفتار تعبیر می شود و منظور عاملی است که به رفتار نیرو و جهت می دهد تا انسان با نیروی بیشتری در یک فعالیت شرکت کند. (مهر آرا، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲) اما در این مبحث منظور از انگیزش زنان همانا نیرویی است که بیشتر بر روی برانگیختگی زنان مؤثر است و آنها را به سمت انجام رفتار دعوت می کند که آن به مثابه موتور رفتار می باشد و آنها را به انجام رفتار مورد انتظار فرا می خواند . انگیزه دیگر خواهی زن در برابر خود خواهی مرد اساس تمام انگیزه های وی است. در تمامی رفتارهای زن این انگیزه نقش اساسی دارد. وی همه چیز حتی خود را برای دیگران می خواهد اگر زیبایی

دانش، هنر، ثروت، سلامت نشاط و ... را دوست دارد و جویای آنهاست جملگی را نه برای خویش بلکه به شکلی برای دیگران می خواهد. (جینا، لمبروز، ۱۳۸۰) از این روی به تنهایی نمی تواند خوش باشد و اسباب خوشی خویش را فراهم آورد او حتی از زمان کودکی که دختر بچه ای بیش نیست زیبای خود را در عروסקی که آن را نوازش می کند و شانه به موهایش کشد می جوید وی عروسک خود را نظافت می کند و برایش لالائی می خواند تا خود احساس آرامش نماید. او از احساس آرامش عروسکش آرام میگيرد زن در بحبوحه جذبه های خودخواهی و خویشن پرستی در حقیقت دیگر خواه است. همین انگیزه قوی و گسترده از جانب، دیگر موجب تأثیر پذیری و انفعال شدید زن از لذت و الم دیگران می شود او از لذت و ألمی که برای دیگران پیش می آید، بیش از مرد متأثر می گردد. بسیار شدیدتر از مرد از حوادث و حالات دیگران منفعّل می شود همین امر باعث می شود که وی علاقه شدیدی نسبت به دل بردن، دل باختن، مورد پسند واقع شدن، مایه خرسندی و خوشنودی بودن از خود نشان دهد همه از درد خود دردمند و از خوشی خویش، مسرورند اما زن از درد دیگران دردمند و از خوشحالی دیگران خوشحال می شود. قدرت زن بر تأثیر و نفوذ در انفعالات دیگران برخی را به وجد و نشاط و برخی را به وحشت و هراس می اندازد این توان موجب می گردد که زن بهتر بتواند به احوال دل دیگران راه یابد و به شادی ها خوشی ها دردها و غصه های دیگران پی ببرد و زودتر و بهتر آنها را تغییر دهد و به سمتی که خود می خواهد سوق دهد. از این روی می توان وی را سلطان احساسات نامید. بی تردید پویایی رفتار زن و برانگیختگی وی به سمت انجام رفتارهای مورد نظر و تحقق وظائف فردی، اجتماعی و تکالیف الهی همیشه محصول مستقیم همین یک انگیزه نیست. چه بسا دیگر نیروهای انگیزشی بر پویایی و بروز رفتارهای وی مؤثر باشند اما انگیزه «دیگر خواهی»

ساختار بنیادین رفتار وی را مشخص می سازد رفتاری که فارغ و بیگانه از این انگیزه باشد نمی توان یافت؛ لذا به بیان همین انگیزه اساسی اکتفا می شود و در کنار آن این نکته روشن می شود که تمام ویژگی های روحی زن به گونه ای ریشه در همین نیروی انگیزشی دارد صبوری، فداکاری، عشق ورزی، تحمل پرورش نسل، پذیرش ناملازمات و دردهای کودک پروری، تعب و رنج کودک تازه پا به هستی، نهاده سطح تحمل بالا در استقبال از محنت و بلا، ظاهر پردازی و حتی انتساب آرامش و سکون به زن در کلام وحی - نه به مرد، عشق به محبوب واقع شدن مطلوب بودن و از این انگیزه ریشه می گیرد چه اگر برای زن درد، غم رنج و گرفتاری دیگران مهم نبود و خود را برای دیگران از جمله شوهر نمی خواست چگونه می توانست مایه آرامش و سکون معرفی گردد. (سوره اعراف، ۱۸۹) انحرافهای اجتماعی که از ناحیه دیگر خواهی گریبانگیر جامعه زنان می شود، در دو گروه کلی قابل تقسیم هست.

۳-۲-۲-۷ افراط در بهره برداری از انگیزه دیگر خواهی افراط در این انگیزه زن را به آنجا می کشاند که در اجتماع از هویت اجتماعی بی نصیب گردد. درک و فهم هویت مستلزم ارتباط متقابل روانی - اجتماعی است که فرد را با واقعیت اجتماعی سالم ارتباط میدهد (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵) از این رو زن باید بین تصویری که از خود دارد و آنچه دیگران از او انتظار دارند هماهنگی ایجاد کند تا به هویت سالم و رشد یافته دست یابد، تا از این طریق با اطمینان به درک صحیح و انتزاعی از خویش که وی را از دیگران متمایز و مجزا می سازد و در حد معقولی ثبات رأی و یکپارچگی دارد، دست پیدا کند. اما افراط در دیگر خواهی زن را به احساس بیگانگی و فراموش نمودن جایگاه اجتماعی و نقش های اجتماعی خویش می کشاند

زیرا او دائم در پی دیگران و توقعات آنها است و خود را در لابلای انتظارات و توقعات دیگران و آن گونه که دیگران می خواهند می جوید، در حالی که دیگران از او فارغ هستند این حالت منجر به احساس بیگانگی با خویش می شود و برای دست یافتن به «خود واقعی» به حرکاتی دست می زند یا به گونه ای خود را می یابد که با واقعیت بیگانه است. لذا به حرکات و سکانات و رفتارهایی دست میزنند که نه در توان او است و نه با وضعیت جسمی و روانی او هماهنگی دارد و بیشتر با توان و روحیات دیگران متناسب است. آنچه بیان شد تاثیر نابجای شناختی روحی و روانی این افراط گری است، اما تاثیر اجتماعی، آن نمود دیگری دارد فرد مبتلا به این افراط گری دیگر نه تنها خود واقعی خویش را نمی شناسد بلکه به نقش خود در جامعه واقف نیست و نمی تواند به آن پی ببرد لذا شکل تعمیق یافته این انحراف همانا از دست دادن پایگاه اکتسابی اجتماعی است این گروه زنان دیگر برای نقشی که در جامعه بر عهده دارند ارزشی قائل نیستند از این روی نقشهای متعددی را بر عهده می گیرند تا بتوانند احساس بیگانگی و بی ارزشی شخصیتی خود را جبران کنند. آنها برای جبران این کاستی، موهوم یک روز نقش هنر پیشه ها را به عهده می گیرند و چند روز بعد نقش یک معلم را ایفا و به این الگو خود را معرفی می کنند. لذا هرگز خود واقعی خویش را نمی یابند و هر نقشی را که به عهده می گیرند، دچار شکست شده و اندک اندک این شکستها را علامت ناتوانی خود می شمارند و برای همیشه از هر فعالیتی خود را کنار می کشند.

۴-۲-۷ بهره برداری نابجا و بی مورد از انگیزه دیگر خواهی، انحراف انگیزشی زنان، بهره برداری بیجا و غلط از این توان رفتاری است زن برای چه چیز و چه هدف خود را برای دیگران می خواهد؟ آیا برای نجات دیگران و به جهت واداشتن آنها به حرکت و تلاش یا

برای نابود کردنشان این کار را می‌کند؟ او خود را فدا می‌کند تا کودکی نجات یابد و پا به هستی گذارد یا خود را فدا می‌کند تا دیگران از هستی محروم شوند؟ شکل صحیح بهره برداری از این نیروی رفتاری چیست؟ انحراف در اینجا است که وی هستی خویش را برای برآوردن خواهش‌های پست دیگران هزینه می‌کند یعنی در برابر متاعی بی ارزش از خود گذشتگی می‌نماید و دیگر خواهی خود را صرف آن می‌کند او خود را برای دیگران می‌خواهد و از هستی خویش برای دیگران می‌گذرد و خود را برای دیگران به زحمت می‌اندازد اما گاهی در برابر این خود پرارزش، نه تنها سودی عائد دیگران نمی‌کند بلکه جملگی خود و دیگران را به فنا و نیستی می‌کشاند و جامعه‌ای را در سراشیبی خطر و نابودی قرار می‌دهد بی گمان این نوع رفتارهای انحرافی دیگر نیاز به معرفی ندارد، به گونه‌ای که برخی زنان هستی و تمام استعدادها و سرمایه خود را برای امیال دیگران، آنجا که دیگران بخواهند یا به منظور نابودی دیگران آنجا که خود اراده کنند ارزان و حتی بی مقدار نقد می‌کنند .

۸- ویژگی‌های نگرشی

نگرش محصول آموزشهای اجتماعی مستقیم و غیر مستقیمی است که فرد آنها را از لابلای پیامهای متنوع دریافت می‌کند نگرش ترکیبی است از باورها گرایش‌ها و احساسات مساعد و نامساعد که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش و بروز رفتار به شیوه‌ای نسبتاً ثابت به اشیا و اشخاص و رویدادهای خاص اطلاق می‌شود. (مهر آرا همان، ص ۱۷۴) از مجموعه آموزه‌های اجتماعی، اسلام نگرشهای فراوانی در باره زن به دست می‌آید که در این نوشتار تنها به یکی از نگرشهای اساسی پرداخته می‌شود این نگرش در کلام امام علی (ع) این گونه بیان میشود همراه ریحانه و لیست بقهرمانه شاید این سخن این گونه برابر سازی شود دلبری برای

زن و دلیری برای مرد یک شیوه ثابت رفتاری و واکنشی است. (دوست محمدی، ۱۳۶۸) یعنی شیوه ثابت و استواری که بر رفتار و واکنشهای زن حاکمیت دارد ریحانه بودن و دلبری است او باید به شیوه ای رفتار کند که ریحانه بودن اقتضا دارد، همان گونه که مرد نیز باید به شیوه و طریقی رفتار نماید که قهرمان بودن ایجاب می نماید این نگرش برای زن و مرد زیبا و پسندیده است به گفته ویل دورانت دلیری و توانایی دلهای نرم را به تپش وامی دارد و نرمی و لطافت میل و کشش زورمندان را برمی انگیزد. زن آنچه را که از همه چیز بیشتر می پسندد و شیفته آن است مردانگی مرد است آنها مردی را که زن صفت باشد، فاقد ارزش مردانگی می دانند. برای مرد نیز، دلبری حجب و عفاف طبیعی زن، نیرومندترین جاذبه است و از زنانی که حرکات و رفتار مردانه دارند و حتی در سخن گفتن بی قید عمل می کنند و در حرکات و سکنات از آزادی بی حد و حصر برخوردارند؛ خوشنود نبوده و چه بسا احساس نفرت می نمایند. انحراف مورد ابتلا در این زمینه که سلامت جامعه و حیات، جسمی روحی و روانی زن را تهدید می کند همانا رها نمودن رفتارهای مطابق و هماهنگ با دلبری و ریحانه بودن و حرکت کردن و رفتار نمودن بر اساس دلیری و قهرمانی است سرگرم شدن به کارهایی که با روح لطیف و طبع ظریف و جسم نحیف زن سازگاری ندارد اگر در کوتاه مدت ضرر خود را نشان ندهد، یقیناً در دراز مدت به زن آسیب می رساند و او را از مسئولیتهایی که دست تکوین بر عهده وی نهاده است باز می دارد برخی زنان می پندارند باید مانند مردان در تمام صحنه های فعالیتهای اجتماعی و فردی وارد شوند تا از کاروان انسان های در حال پیشرفت عقب نمانند آنها گمان می کنند باید در سخت ترین و دشوارترین فعالیتهای دوش به دوش مردان وارد عمل شوند تا بتوانند خود را به شکوفایی و رشد لازم برسانند. شاید نتوان در این مرحله به انحراف اجتماعی خاصی اشاره نمود ولی قاعده کلی در این باب آن است که اشتغال و بر عهده گرفتن هر عمل

و کاری که با ریحانه بودن و دلبری زن ناسازگار باشد و یک نوع خشونت و ناملایمتی را به وی تحمیل می‌کند انحراف تلقی می‌شود راه تشخیص این انحراف بسیار سهل است، چه اشتغال زنان به تمام مشاغل و کارهای مربوط به مردان که همراه با صعوبت و دشواری است نشان از انحراف می‌دهد حتی اگر از نظر موقعیتی و اقلیمی زنان معمولاً عهده دار باشند (زینتی -۱۳۸۸) راهکارهای پیشگیرانه و درمانی به منظور پیشگیری از بروز انحرافهای شناختی انگیزی و نگرشی و دو قسم آخر انحرافهای جسمی از راهکارهای زیر باید بهره جست.

۸-۱-۱ راهکار شناختی مکتب اسلام بهترین شیوه برخورد با این نوع انحرافها را روشنگری ذهنی، از طریق بالا بردن سطح تعلیم و تربیت می‌داند این آیین پاک و حنیف بیشترین مسئولیت خطیر و مهم آموزش را بر عهده خانواده نهاده است و زمان آن را نیز از هفت سال دوم زندگی کودک، متوجه این نهاد اساسی می‌داند آموزش و تربیت چندین پیام و رفتار است که عبارت است از: مؤنث؛ -آموزش آداب اخلاق اسلامی همراه با، تمرین، تکرار و تقیید والدین؛ -آموزش آداب و رسوم ملی همراه با تمرین و تکرار؛ -آموزش اصول اعتقادی اسلام به ویژه ضرورت، دین داری و پابندی به آن؛ حرفه آموزی متناسب با فرهنگ اسلام و جنسیت کودک؛ -آموزش احکام دین با توجه به احکام اختصاصی هر جنس؛ - ارتباط سالم مبتنی بر تکریم احترام و محبت به فرزندان به ویژه توجه خاص به جنس لیاقت های کودک و پذیرش آن به عنوان یک انسان توانمند .

کودک تربیت شده در این کانون مهر و محبت آموزشهای مفید و کارآمد را قبل از آن که با انواع شبهات فکری و دغدغه های ذهنی مواجه شود آموخته و جایگاه خود را در مجموعه هستی دریافته و به درک صحیح از خود و توانمندی های خویش نائل می آید او دیگر لازم

ندارد برای معرفی خود از شیوه های ابزاری بهره بگیرد و بر اساس خواست دیگران خود را معرفی نماید بلکه خود را آن گونه که، می شناسد با تمام تواناییهای شخصی خویش معرفی می کند؛ چون حرفه های متعدد را آموخته و با آگاهی از آنها به خود افتخار می کند و با توانایی هایی که دارد دیگر خواهی خود را ارضا می کند نه با صفات جسمی و ویژگیهای جنسی، غیر اکتسابی زیرا به یک هویت شکل یافته از خویش رسیده و در این صورت نه تنها احساس بیگانگی نمی کند بلکه خود و تواناییهایش را خوب شناخته و به واسطه آنها خویش را معرفی می کند زنانی که در بکارگیری انگیزه دیگر خواهی دچار افراط یا بهره برداری غلط می شوند و در برخورد با صفات جنسی و جسمی به سمت افراط یا تفریط کشیده می شوند در دست یابی به هویت سالم شکست خورده اند و این شکست در برخوردهای غلط والدین در دوران کودکی و همچنین نا آشنایی زن با جایگاهش در هستی و نظام ارزشی ریشه دارد لذا چون خود را فاقد هر صلاحیتی می داند و تنها سرمایه خود را صفات جنسی و جسمی می داند چاره ای جز این ندارند که خویش را به همین صفات معرفی کند و به همین صفات بیابد و آنگاه که این صفات را بی ارزش بیابد از رد آنها در خود ابراز بیزاری می کند و خود را موجودی فاقد ارزش می بیند و برای جبران این نقص پنداری و موهوم تمام ویژگی ها حتی خصائص جسمی و مسئولیتهای خویش، از جمله وظائف مادری را فراموش می کند و در جلب توجه دیگران و عمل به انگیزه های درونی دچار افراط می شود.

۲-۱-۸ راهکار رفتار درمانی رفتار درمانی از خانواده آغاز می شود فرد با تقلید از والدین به رفتارهای احترام آمیز با انسان ها خو می گیرد. وی با مشاهده رفتار والدین و در واقع به شیوه گروه درمانی به طور عملی با نگرش اسلام با زن آشنا می شود و خود همان شیوه را هم

دریافت و هم بکار می گیرد. زنانی که در بکارگیری انگیزش دیگر خواهی دچار افراط میشوند یا در انحراف «نگرشی برخورداری از موقعیتهای شغلی و اجتماعی زنان را برای خود عار و ننگ و واجد موقعیتهای مردانه بودن را افتخار و ارزش تلقی می کنند؛ در واقع به شکلی در درون خانواده شاهد تبعیض و برخوردهای اهانت آمیز به زنان بوده به همین خاطر از آن گریزان هستند اما اگر در خانواده شاهد برخوردهای احترام آمیز باشند و با همین شیوه رفتار بزرگ شوند و رشد کنند هرگز آرزوی برخورداری از موقعیتهای مردانه را در سر نمی پروراندند تمام توصیه های تربیتی اسلام در برخورد تکریمی با جنس مؤنث و برتری دادن به وی در برخی صحنه های، رفتاری برای تامین این نیاز و پیشگیری از بروز این اندیشه های نابجا است. اسلام با توجه به این گونه پیامدهای احتمالی که ریشه در جاهلیت قدیم دارد والدین را به رفتارهای خاص و انجام آداب، خانوادگی به ویژه در مورد دختران توصیه نموده است. بنابر آنچه، گذشت معلوم می شود انحرافات که گریبانگیر جامعه زنان است، ناشی از تفکرها و رفتار غلط زنان و مردان می باشد در نتیجه برای برطرف کردن این انحرافات اصولی ترین کار ایجاد است تا در پی عمل به، آن جامعه به سمت اصلاح سوق پیدا کند.

نتیجه گیری

اگرچه ممکن است تعداد زنان مجرم کمتر از مردان باشد لیکن تأثیر اجتماعی و فرهنگی بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است زنان به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی و پایه و ستون خانه بودن در صورتی که مرتکب جرم شوند اثرات منفی بسیار زیادی در خانواده دارند. زمانی که زن به هر دلیلی اعم از فرار، طلاق بزهکاری و... در خانه حضور نداشته باشد، خانواده و جامعه دچار اشکال می شود. با انحرافات زنان نه تنها یک زن بلکه ممکن است نسل یک

خانواده به بزهکاری و تباهی کشیده شود. همچنین زنان بزهکار با ارتکاب جرایمی چون روسپیگری و تن فروشی قوادی ... زمینه ی بی قید و بند بودن روابط بین زنان و مردان را فراهم می آورند و این امر علاوه بر کاهش میل به ازدواج و مسئولیت پذیری در جوانان، موجب سست شدن بنیان خانواده، پایین آمدن سطح اخلاقی جامعه ضعف ایمان و تقوا، گشوده شدن راه فحشا و فساد در جامعه و بسیاری آسیب های دیگر می شود؛ لذا شناخت تبعات حقوقی انحرافات زنان به سالم سازی جامعه و استحکام خانواده ها کمک می کند. در جامعه امروز ما بیشترین انحرافات اجتماعی شامل فرار از منزل، فحشا و روابط نامشروع، طلاق اعتیاد خودکشی و... می باشد که هر یک از این انحرافات ممکن است زمینه ساز انحراف دیگر باشد. ممکن است یک رفتار انحرافی زن در جامعه ی امروز ایران جرم نباشد اما تبعات حقوقی ای را به دنبال خواهد داشت ممکن است فرار از منزل به فحشا و اعتیاد کشیده شود. بنابراین می توان گفت که انحرافات اجتماعی زنان می توانند زمینه ساز یک یا چند انحراف شوند انحرافات مطرح شده در این پژوهش حقوقی اعم از مالی و غیر مالی زن را که اسلام برای زن قرار داده است از او سلب می کنند. در نظام حقوق مالی اسلام بالاخص فقه امامیه به دلیل اهمیت نقش خانواده در تحقق اهداف و مصالح فردی و اجتماعی و جایگاه محوری زن در آن حمایت از حقوق زنان به شکلی است که تمام ابعاد زندگی ایشان را در بعد طبیعی انسانی و معنوی شامل می شود. بدین منظور حقوق مالی زوجه در زمان برقراری علقه زوجیت و حتی پس از انحلال نکاح گستره وسیعی از آیات و روایات دهد و نوعی مصونیت قانونی زنان را در مسائل مالی و اقتصادی به ارمغان آورد تا ایشان در سایه برخورداری از کرامتی خاص در خانواده و جامعه بتوانند در مسیر تامین خود اختصاص می اهداف اساسی و کلان شریعت یعنی عبودیت حفظ دین، حفظ نفس و حفظ نسل حرکت کنند. در فرار و ترک منزل به زن نفقه

تعلق نمی‌گیرد یا اجرت المثل و تصنیف نیمی از دارایی مرد اگر زن فساد اخلاقی روابط نامشروع داشته باشد و طلاق به واسطه‌ی ناشزه بودن زن باشد به او تعلق نمی‌گیرد. همچنین در مبحث روابط نامشروع و فحشا اگر فرزندی متولد شود زن از فرزند ارث نمی‌برد و همچنین ارث او به فرزند نامشروع نمی‌رسد یا در سقط جنینی که مادر در آن به طور غیر مستقیم نقش داشته دیه ای به او تعلق نمی‌گیرد.

منابع و مآخذ

- الحر العاملی ، محمد بن الحسن ، ۱۹۸۳، وسائل الشیعه، ج ۱۵، لبنان، دار احیاء التراث العربی
- بولتن اندیشه ، ۱۳۷۶ ویژه زن، دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ش ۱۵-۱۲، مهر و دی.
- بیابانگرد، اسماعیل ، ۱۳۷۸ ، روان شناسی نوجوانان ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- پاک نژاد ، شهریانو ، تبعات حقوقی ترک منزل پایگاه خبری تحلیلی پارسینه ، ۱۳۷۶ ،
،
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۰ ، ترمینولوژی حقوق چاپ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش .
- جوادی آملی، عبدالله ، ۱۳۷۸ زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء .
- جینا لمبروز ، ۱۳۸۰ ، روح، زن ترجمه پری حسام شهرتیس ، تهران ، انتشارات دانش .
- دنفورث، ۱۳۸۶، بیماریهای زنان و زایمان ترجمه ی کیارش ، آرامش، تهران، انتشارات گلبن .
- دوست محمدی ، هادی، ۱۳۶۸ شخصیت زن از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی ، مرکز چاپ و نشر .
- سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۲ فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات اسلامیه
- شاملو، سعید ۱۳۷۰ ، مکتبها و نظریه ها در روان شناسی ، شخصیت چاپ سوم، تهران ، انتشارات رشد ۱۰۷

- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۷۲، حقوق جزای اختصاصی چاپ، چهارم تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی .
- گودرزی، فرامرز، ۱۳۷۲، پزشکی قانونی، انتشارات تهران .
- محمدی ری شهری، محمد ۱۴۱۹ میزان الحکمه انتشارات مؤسسه دارالحديث نوری
حاج میرزا حسین مستدرک الوسائل، ج ۱۵